

احجار الزيت: محلی در مدینه، جایگاه

رویدادهای گوناگون

احجار الزيت مکانی معروف در شهر مدینه، نزدیک محله زوراء^۱ و بازار مدینه^۲ بر دامنه کوه سلع^۳ و غرب مسجد نبوی^۴، برابر باب السلام^۵ بوده است. اردوگاه نظامی نیز در همین منطقه قرار داشت.^۶ در سبب نام گذاری این مکان دو سخن در دست است: در آنجا سنگ‌هایی بوده که ظرف‌های روغن بر آن می‌نهادند^۷؛ و نیز روایت شده که در این مکان، برای پیامبر از سنگی روغن تراوید.^۸ به رغم شهرت و اهمیت احجار الزيت در تاریخ مدینه، اطلاعات چندان از آن در دست نیست. احجار الزيت در عهد پیامبر ﷺ جایگاه برگزاری دعا و نماز باران بود^۹ و از همین رو آن را «موضع الاستسقاء» نیز گفته‌اند. (تصویر شماره ۱۳)

۱. معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۰۹؛ سبل الهدی، ج ۸، ص ۳۳۶، ۵۰۹.
۲. دلائل النبوه، ج ۴، ص ۲۰؛ تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۳۱۵.
۳. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۵۸۹.
۴. المعالم الاثیره، ص ۲۰.
۵. سبل الهدی، ج ۸، ص ۳۳۶.
۶. البداية و النهایه، ج ۷، ص ۱۷۴؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۵۰؛ تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۴۳۹.
۷. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۳۰۷.
۸. معجم ما استعجم، ج ۲، ص ۴۲۶؛ المعالم الاثیره، ص ۱۳۶.
۹. مسند احمد، ج ۵، ص ۲۲۳؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۰۹؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۴۵؛ ج ۵، ص ۲۴۵، ۴۴۲؛ الاصابه، ج ۴، ص ۶۰۷.

کوشش الحسینی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق؛ المجموع شرح المهذب: النووی (م. ۷۶ق.)، دار الفکر؛ مدارک العروه: علی پناه اشتیاردی، تهران، دار الاسوه، ۱۴۱۷ق؛ المدونه الكبرى: مالک بن انس (م. ۱۷۹ق.)، مصر، مطبعة السعاده؛ مرآة العقول: المجلسی (م. ۱۱۱ق.)، به کوشش رسولی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش؛ المعتبر: المحقق الحلی (م. ۷۶ق.)، مؤسسه سید الشهداء، ۱۳۶۳ش؛ معجم مقاییس اللغه: ابن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ مغنی المحتاج: محمد الشربینی (م. ۹۷۷ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۲۰ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، به کوشش گروهی از اساتید، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ مواهب الجلیل: الحطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ النهایه: ابن اثیر مبارک بن محمد الجزری (م. ۶۰۶ق.)، به کوشش محمود محمد و طاهر احمد، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش؛ نیل الاوطار: الشوکانی (م. ۱۲۵۵ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳م؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البيت ﷺ، ۱۴۱۲ق.

محمد قدیریان



احجاج ← نیابت

احجار البيت ← احجار الزيت

بر پایه سخنی در سال پنجم ق. آن گاه که یهود بنی قریظه به مجازات محکوم شدند، پیامبر ﷺ دستور داد از برابر خانه ابوجهم عدوی تا احجار الزیت گودال‌هایی برای دفن کشته‌های بنی قریظه حفر شود.^۱ بر اساس خیری، دحیه کلبی* روز جمعه از شام همراه کالاهای مورد نیاز مردم وارد بازار احجار الزیت شد و مسلمانان حاضر در مسجدالنبی که به سخنان پیامبر ﷺ گوش می‌دادند، با آگاهی از ورود دحیه، جز شماری اندک، مسجد را ترک کردند و به احجار الزیت رفتند. در پی آن، آیه ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً...﴾ (جمعه/۶۲، ۱۱) برای نکوهش آنان فرود آمد.^۲

در سال ۳۵ ق. آن گاه که معترضان کوفی، بصری و مصری در مدینه ازدحام کردند و خواستار کناره‌گیری خلیفه سوم شدند، علی ﷺ در احجار الزیت بود و شورشیان، به ویژه مصریان، به او مراجعه می‌کردند.^۳ امام بر سر آن‌ها فریاد زد و آنان را از خود راند؛^۴ گویا آن‌ها را از انجام کارهای جبران‌ناپذیر بر حذر می‌داشت. وی همچنان در احجار

الزیت بود که خبر کشته شدن خلیفه را شنید. در این حال، دستان خود را به آسمان بلند کرد و از دخالت در ریختن خون عثمان نزد خداوند تبری جست.^۵

محمد بن عبدالله از نوادگان امام حسن ﷺ نام آور به «نفس زکیه*» که به سال ۱۴۵ ق. در مدینه ضد عباسیان قیام کرد، پس از رویارویی با سپاهیان منصور عباسی، همراه یارانش در احجار الزیت کشته شد.^۶ بدین سبب از القاب او «قتیل احجار الزیت» است.^۷ به گواهی تاریخ، امام صادق ﷺ در عهد امویان چند بار عبدالله بن حسن، پدر نفس زکیه، را از آرزوی خلافت فرزندش بیم داد و او را از این که شاید پسرش «قتیل احجار الزیت» باشد، آگاه کرد.^۸ آورده‌اند که محمد از سرانجام قیام خود آگاه بود و به عبدالله بن عامر سلمی یاد آور شد: اگر ابری که بالای سر ماست، بر ما بیارد، پیروزیم؛ و گر نه شکست خواهیم خورد و خون من در احجار الزیت ریخته خواهد شد.^۹

۵. الطبقات، ج ۳، ص ۵۰، ۶۰: انساب الاشراف، ج ۵، ص ۵۹۵؛

البدایة و النهایة، ج ۷، ص ۱۹۳.

۶. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۵۸۹-۵۹۰: تاریخ الاسلام، ج ۹، ص ۲۸-

۳۱: امتاع الاسماع، ج ۱۲، ص ۳۷۷.

۷. الفخری، ص ۳۵: المجدی، ص ۱۸۶.

۸. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۴۹: مقاتل الطالبیین، ص ۲۲۶.

۹. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۵۹۶: الکامل، ج ۵، ص ۵۵۴: امتاع

الاسماع، ج ۱۲، ص ۳۷۷-۳۷۸.

۱. المغازی، ج ۲، ص ۵۱۳: دلائل النبوه، ج ۴، ص ۲۰: تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۳۱۵.

۲. تفسیر تعلی، ج ۹، ص ۳۱۷: مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۳۳.

۳. تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۴۳۹: ج ۹، ص ۳۱: البدایة و النهایة، ج ۷، ص ۱۷۰-۱۷۴: تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۵۹۵.

۴. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۵۰: تجارب الامم، ج ۱، ص ۴۴۱: الکامل، ج ۳، ص ۱۵۹.

القلم العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق؛ الکامل فی
التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری
(م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ المجدی
فی انساب الطالبیین: علی بن محمد العلوی
(م. ۷۰۹ق.)، به کوشش المهدوی، قم، مکتبه
النجفی، ۱۴۰۹ق؛ مجمع البیان: الطبرسی
(م. ۵۴۸ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ مسند
احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار
صادر؛ المعالم الاثیره: محمد محمد حسن شراب،
دمشق، دار القلم، ۱۴۱۱ق؛ معجم البلدان: یاقوت
الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛
معجم ما استعجم: عبدالله البکری (م. ۴۸۷ق.)، به
کوشش مصطفی السقا، بیروت، عالم الکتاب،
۱۴۰۳ق؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به
کوشش مارسدن جونسن، بیروت، اعلمی،
۱۴۰۹ق؛ مقاتل الطالبیین: ابن ابی الفرج
الاصفہانی (م. ۳۵۶ق.)، به کوشش سید احمد
صقر، بیروت، دار المعرفه.

محمد حسن الهی زاده



احجار المرء: جایگاه دیدار رسول

خدا ﷺ با جبرئیل در مدینه، نزدیک قبا

این نام از دو واژه احجار جمع حَجَر
به معنای سنگ و مرء ترکیب یافته است. مرء
جایی از قبا^۱ است. مرء نوعی آفت نخل
به شمار می رود.^۲ نیز مرء جمع مَرُو به معنای

۱. النهایه، ج ۴، ص ۳۲۳؛ لسان العرب، ج ۱۵، ص ۲۷۵-۲۷۶، «مرو».

۲. النهایه، ج ۴، ص ۳۲۳؛ لسان العرب، ج ۱۵، ص ۲۷۵-۲۷۶، «مرو»؛ مجمع البحرین، ج ۴، ص ۱۹۴، «مرو».

◀ منابع

اسد الغابه: ابن اثیر علی بن محمد الجزری
(م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ الاصابه:
ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی
محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه،
۱۴۱۵ق؛ امتاع الاسماع: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)،
به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب
العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ انساب الاشراف: السیلاذری
(م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار، بیروت، دار الفکر،
۱۴۱۷ق؛ البدایة و النهایه: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)،
بیروت، مکتبه المعارف؛ تاریخ ابن خلدون: ابن
خلدون (م. ۸۰۸ق.)، به کوشش خلیل، بیروت،
دار الفکر، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات
المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر
عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق؛
تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری
(م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت،
دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ المدینه المنوره:
ابن شیبۀ النمیری (م. ۲۶۲ق.)، به کوشش
شلتوت، قم، دار الفکر، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ الیعقوبی:
احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر،
۱۴۱۵ق؛ تجارب الامم: ابن مسکویه (م. ۴۲۱ق.)،
به کوشش امامی، تهران، سروش، ۱۳۷۹ش؛
تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان): الثعلبی
(م. ۴۲۷ق.)، به کوشش ابن عاشور، بیروت، دار
احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق؛ دلائل النبوه:
البیهقی (م. ۴۵۸ق.)، به کوشش عبدالمعطی،
بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق؛ سبل الهدی:
محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق.)، به
کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار
الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ الطبقات الکبری: ابن
سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر،
بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ الفخری: ابن
الطقطقی (م. ۷۰۹ق.)، به کوشش عبدالقادر، دار